



آتش‌نشان شجاع شهرمان به شهادت رسید

پرواز یک قهرمان



از خود گذشته وارد کارگاه پراز دود و آتش شد، اما همان وقت سقف انبار فرو ریخت و قهرمان قصه ی ما زیر آوار و آتش ناپدید شد. همکارانش پس از خاموش کردن آتش و نجات جان گرفتار شده ها، به سختی پس از ساعت ها پیکر دوست شهیدشان را که روحش در جنگ با آتش خشمگین به آسمان پرواز کرده بود در زیرزمین محل حادثه پیدا کردند. حالا دو دختر هفت و دوساله آتش نشان شهید «رضا فخریان» می دانند پدر جوان و شجاع خود را در راه نجات مردم از دست داده اند. پدری که برای همیشه افتخاری بزرگ برای آن هاست که باز خودگذشتگی، در دل شعله های آتش به دنبال نجات زندگی دیگران بود، اما دوستان خوبم بیا ببید به هم قول بدیم تا می توانیم با رعایت نکات ایمنی از جان قهرمانان شهرمان پاسداری کنیم و این عزیزان شجاع و مهربان را با خطر روبه رونی نکنیم.

ظهر جمعه ی یک روز گرم تابستانی بود، همان زمانی که بسیاری از بچه ها با پدر و مادرشان مشغول استراحت یا تفریح بودند؛ دود بخش زیادی از آسمان شهرمان را سیاه و زشت کرده بود. آتش ترسناکی که به دلیل بی احتیاطی عده ای فرصت کرده بود از دنیای سیاهی بیرون بیاید زبانه می کشید و هرچه دم دستش بود به خاکستر تبدیل می کرد.

همه منتظر قهرمانان بودند تا بیایند و کسانی را که میان دود و آتش گیر کرده بودند نجات دهند و آتش وحشی را خاموش کنند.

بالاخره ماشین های قرمز و بزرگ آتش نشانی آژیرکشان سر رسیدند. قهرمانان با عجله پیاده شدند و شروع به خاموش کردن آتش بزرگ انبار کارگاه چوب و مبیل کردند. همه با نگرانی منتظر بودند تا افرادی که داخل انبار گیر افتاده اند نجات پیدا کنند. یکی از آتش نشانان شجاع و

